

نامه پولس به مسیحیان

فیلیپی

شهر فیلیپی در شمال یونان واقع است. پولس خاطرات بسیاری از این شهر داشت. نخستین کلیسای اروپا را او در این شهر برقرار کرد. و در همینجا بود که او را گرفتند شکنجه دادند و زندانی کردند. ولی کسانی که در این شهر پیام انجیل را از زبان پولس شنیده بودند، به عیسی مسیح ایمان آوردند. آنها پولس را زیاد دوست داشتند و به او کمکهای مالی می‌کردند. در این نامه، که باز هم از زندان فرستاده می‌شود، پولس از شادیهای سخن می‌گوید که نصیب کسانی می‌گردد که به عیسی مسیح ایمان می‌آورند.

^۱ از این رو، برای شما دعا می‌کنم که محبتان نسبت به دیگران روزبروز فزونی یابد و دانش و بینش روحانی‌تان نیز به حد کمال برسد،^{۱۰} تا بتوانید فرق میان خوب و بد، و درست و نادرست را تشخیص دهید. دعا می‌کنم که زندگی‌تان چنان پاک گردد که هیچکس نتواند تا زمان بازگشت خداوند ما مسیح، عیبی در شما بیابد.^{۱۱} همچنین دعا می‌کنم که همواره به اعمال نیکو پردازید، اعمالی که نشان می‌دهند فرزند خدا هستید و باعث ستایش و جلال خداوند می‌گردند.

^{۱۲} برادران عزیز، می‌خواهم این را نیز بدانید که آنچه برای من پیش آمده، در واقع به اشاعه و گسترش پیام انجیل منجر شده است؛^{۱۳} زیرا اکنون همه، منجمله سربازان گارد، بخوبی می‌دانند که من بعلت مسیحی بودن، در زندان بسر می‌برم.^{۱۴} بعلاوه، زندانی بودن من باعث شده که بسیاری از مسیحیان اینجا، دیگر ترسی از زندان نداشته باشند؛ و صبر و تحمل من به آنان جرأت بخشیده که با شهادت بیشتری پیام مسیح را اعلام کنند.

^{۱۵} البته، بعضی به کاری که خدا توسط من انجام می‌دهد، حسادت می‌ورزند و به همین علت می‌کوشند که خودشان نیز انجیل را موعظه کنند؛ هدف ایشان از این کار اینست که مورد تشویق و

از طرف پولس و تیموتائوس، خدمتگزاران عیسی مسیح، به کشیشان و خدمتگزاران کلیسا، و تمام مسیحیان راستین در شهر فیلیپی.

^۲ از درگاه پدرمان خدا و خداوندمان عیسی مسیح، طالب فیض و آرامش برای شما هستم.

^۳ هرگاه شما را به یاد می‌آورم، خدا را برای وجودتان سپاس می‌گویم.^۴ هر بار که برای شما دعا می‌کنم، قلبم لبریز از شادی می‌گردد،^۵ زیرا شما از همان روزی که پیام انجیل را شنیدید تابحال، کمکهای بسیاری در اشاعه و گسترش آن نموده‌اید.^۶ اطمینان دارم خدا که این عمل نیکو را در شما آغاز نمود، به شما یاری خواهد کرد که در فیض او رشد کنید تا به هنگام بازگشت عیسی مسیح، کار او در شما تکمیل شده باشد.

^۷ این طبیعی است که درباره شما چنین احساسی داشته باشم، چون همه شما در دل من جای دارید. چه، زمانی که در زندان بودم و چه، زمانی که آزادانه در میان شما بسر می‌بردم، به اتفاق هم از حقیقت دفاع می‌کردیم و خبر نجات مسیح را به گوش مردم می‌رساندیم؛ به همین جهت همواره با هم در برکات خدا شریک بوده‌ایم.^۸ فقط خدا می‌داند که عیسی مسیح چه محبت و اشتیاق عمیقی نسبت به شما در من بوجود آورده است.

دوش به دوش یکدیگر، استوار ایستاده‌اید و هدف همگی تان اینست که بدون توجه به مخالفت‌های دشمن، پیغام نجات‌بخش انجیل را به همه اعلام کنید. همین امر برای ایشان نشانهٔ هلاکت است، اما برای شما نشانهٔ اینست که خدا با شماست و به شما زندگی جاوید عطا کرده است.^{۱۹} زیرا خدا به شما این افتخار را داده است که نه فقط به او ایمان آورید، بلکه در راه او متحمل زحمات و مشقات نیز بشوید.^{۲۰} در این مجاهده و پیکار، ما با یکدیگر شریک می‌باشیم. شما در گذشته شاهد زحمات من در راه مسیح بوده‌اید، و همانطور که می‌دانید هنوز هم درگیر همان زحمات و مبارزات هستم.

مسیح، الگوی فروتنی

۴ ای مسیحیان، آیا یکدیگر را تشویق و دلگرم می‌کنید؟ آیا آنقدر یکدیگر را دوست دارید که به هم کمک کنید؟ آیا احساس می‌کنید که ما همه با هم برادریم و از یک روح برخورداریم؟ آیا دلسوز و همدرد هستید؟^۲ اگر چنین است، یکدیگر را محبت نموده، قلباً با هم توافق داشته و همدل و همفکر باشید، تا مرا واقعاً شاد سازید.

۲ خودخواه نباشید و برای خودنمایی زندگی نکنید. فروتن باشید و دیگران را از خود بهتر بدانید. فقط به فکر خودتان نباشید، بلکه به کار و مسایل دیگران هم توجه نمایید.

۵ شما باید همان طرز فکری را در پیش گیرید که مسیح داشت.^۶ او با اینکه ماهیت خدایی داشت، اما نخواست از اختیار و حق خدایی خود استفاده کند؛ بلکه قدرت و جلال خود را کنار گذاشت، و به شکل یک بنده درآمد، و شبیه انسانها شد؛^۸ و حتی بیش از این نیز خود را فروتن ساخت، تا جایی که حاضر شد مانند یک تبهکار، بر روی صلیب اعدام شود.

۹ به همین جهت، خدا او را بی‌نهایت سرافراز کرد و نامی به او بخشید که از هر نام دیگری والاتر است،^{۱۰} تا به نام «عیسی»، هر آنچه در آسمان و بر زمین و زیر زمین است، به زانو درآید،^{۱۱} و برای جلال خدای پدر، همه به زبان خود اعتراف کنند که

توجه دیگران قرار گیرند. اما بعضی نیز انگیزه و هدفی خالص برای این کار دارند؛^{۱۶} اینان مرا دوست دارند و پی برده‌اند که خدا مرا برای دفاع از حقیقت به اینجا آورده است. عده‌ای هم برای این موعظه می‌کنند که حسادت مرا برانگیزند، با این تصور که پیشرفت کار آنان، غمی به غمهای من در زندان می‌افزاید.^{۱۸} اما هرکس با هر انگیزه و هدفی موعظه کند، باعث شادی من می‌شود، چون به‌رحال پیغام نجات‌بخش مسیح به گوش همه می‌رسد.

بلی، شادی من پایان نخواهد پذیرفت،^{۱۹} زیرا می‌دانم تا زمانی که شما برایم دعا می‌کنید و روح‌القدس نیز مرا یاری می‌نماید، تمام این امور به نفع من تمام خواهد شد.^{۲۰} آرزوی قلبی و امید من اینست که هرگز در انجام وظایف خود، شرمنده و سرافکننده نشوم، بلکه همواره آماده باشم تا در تمام سختیها با کمال دلیری دربارهٔ مسیح سخن بگویم، همانطور که در گذشته نیز چنین کرده‌ام؛ تا بدینوسیله، چه زنده باشم و چه بمیرم، باعث سربلندی مسیح گردم.^{۲۱} چون برای من، «زندگی» فرصتی است برای خدمت به مسیح، و «مرگ» به معنی رفتن به نزد او می‌باشد.^{۲۲} اما اگر زنده ماندن من، سبب خواهد شد که عدهٔ بیشتری را بسوی مسیح هدایت کنم، در اینصورت واقعاً نمی‌دانم کدام بهتر است، مردن یا زنده ماندن.^{۲۳} گاه می‌خواهم زنده بمانم و گاه آرزو می‌کنم که این زندگی را ترک گویم و به نزد مسیح بشتابم، که این برای من خیلی بهتر است.^{۲۴} اما در حقیقت اگر زنده بمانم، می‌توانم کمک بیشتری به شما بکنم.^{۲۵} بلی، وجود من هنوز در اینجا لازم است؛ از اینرو یقین دارم که باز مدتی در این دنیا خواهم ماند و به رشد و شادی شما در ایمان، کمک خواهم نمود.^{۲۶} ماندن من، شما را شاد خواهد ساخت؛ و هنگامی که نزد شما بیایم، مطمئنم او را تجلیل خواهید کرد که مرا سالم نگاه داشته است.

۲۷ و ۲۸ اما هر چه برای من پیش آید، چه شما را بار دیگر ببینم، چه نبینم، به یاد داشته باشید که همواره باید همچون مسیحی واقعی زندگی کنید، تا همیشه خبرهای خوب دربارهٔ شما به من برسد و بشنوم که

^{۲۳} بنابراین، امیدوارم به محض اینکه از انجام کار خود مطلع شدم، تیموتائوس را فوری نزد شما بفرستم؛
^{۲۴} و امیدوارم به لطف خداوند، خودم هم بزودی نزد شما بیایم.

^{۲۵} در ضمن فکر کردم که لازم است «اپافرودیوس» را نیز پیش شما بفرستم. او را نزد من فرستاده بودید تا در وقت احتیاج به من کمک کند. من و او با هم مانند برادران واقعی بوده‌ایم و دوش به دوش هم کار کرده‌ایم و جنگیده‌ایم. ^{۲۶} اکنون او را نزد شما می‌فرستم، چون دلش برای همه شما تنگ شده است. خصوصاً غمگین شد از اینکه شنید شما از بیماری او آگاهی یافته‌اید. ^{۲۷} در واقع، بیماری او بسیار سخت بود و چیزی نمانده بود که از پای درآید. اما خدا، هم به او و هم به من رحم کرد و نگذاشت که این غم نیز بر غمهای دیگر من اضافه شود.

^{۲۸} دلم می‌خواهد هر چه زودتر او را نزد شما بفرستم، چون می‌دانم که از دیدنش واقعاً شاد خواهید شد؛ همین موضوع باعث خوشحالی من خواهد شد و از بار غم خواهد کاست. ^{۲۹} پس او را همچون برادری در خداوند به گرمی بپذیرید و از زحمات او قدردانی نمایید،^{۳۰} زیرا جانش را در راه خدمت به مسیح، به خطر انداخت تا به جای شما که از من دور هستید، به من خدمت کند.

نجات بوسیله مسیح، نه از راه دینداری
 عزیزان من، در هر وضعی که هستید، در خداوند شاد باشید. من هرگز از تکرار این مطالب خسته نخواهم شد؛ و در ضمن به نفع شماست که آنها را بارها بشنوید.

^۱ مواظب سگهای خطرناک باشید! منظورم آن شیطان صفتانی هستند که می‌گویند برای نجات یافتن باید خسته شد؛^۲ ما با قطع کردن قسمتی از بدن خود، فرزند خدا نمی‌شویم، بلکه با پرستش خدا بوسیله روح او. خسته واقعی همین است. ما مسیحیان به آن فداکاری که عیسی مسیح در راه ما کرده است افتخار می‌کنیم و تصدیق می‌نماییم که با توانایی‌ها و امتیازات انسانی خود، قادر به نجات خود نیستیم.

درخشش زندگی مسیحی

^{۱۲} عزیزان من، زمانی که نزد شما بودم، سعی می‌کردید دستورهای مرا اطاعت کنید. اکنون که از شما دورم، همین روش را ادامه دهید و بکشید تا با اعمالتان نشان دهید که نجات یافته‌اید، یعنی با اطاعت و احترام عمیق به خدا، و دوری از هر آنچه که موجب ناخشنودی اوست. ^{۱۳} زیرا خدا خودش در وجود شما کار می‌کند تا بتوانید با میل و رغبت او را اطاعت نمایید و اعمالی را بجا آورید که مورد پسند اوست. ^{۱۴} کارهایتان را بدون غرغر و شکایت انجام دهید، ^{۱۵} تا کسی نتواند از شما ایراد بگیرد. شما باید در این دنیای فاسد که پر از افراد نادرست و گردنکش است، همچون فرزندان خدا، پاک و بی‌لکه باشید و در میان ایشان مانند نور بدرخشید،^{۱۶} و کلام حیات بخش خدا را به ایشان برسانید.

آنگاه، به هنگام بازگشت مسیح، من غرق شادی خواهم شد، زیرا نتیجه زحماتی را که برای شما کشیده‌ام، خواهم دید. ^{۱۷} حتی اگر لازم باشد، حاضرم تا آخرین قطره خون خود را برای حفظ ایمانتان بریزم و جانم را مثل قربانی به خدا تقدیم کنم و در راه شما فدا شوم. من از این کار، شادی خواهم نمود و شما را در شادی خود شریک خواهم ساخت. ^{۱۸} شما نیز باید از این کار خوشحال باشید و با من شادی کنید که این افتخار را دارم تا در راه شما جان خود را فدا نمایم.

تیموتائوس و اپافرودیوس

^{۱۹} اگر خدا بخواهد، بزودی تیموتائوس را نزد شما خواهم فرستاد، تا وقتی نزد من باز می‌گردد، مرا از احوال شما آگاه کند و روحم را شاد سازد. ^{۲۰} هیچکس مانند تیموتائوس، چنین علاقه خالصی نسبت به شما ندارد؛^{۲۱} گویا هرکس فقط به مسائل خود می‌اندیشد، و به فکر خدمت به مسیح نیست. ^{۲۲} اما شما تیموتائوس را می‌شناسید؛ او مثل یک فرزند به من کمک کرده تا پیغام انجیل را اعلام نمایم.

می‌کنم، و آن اینکه گذشته را فراموش کنم و با انتظار و امید به آنچه در پیش است چشم دوزم،^{۱۲} و بکوشم تا به خط پایان مسابقه برسم و جایزه را به چنگ آورم، که برای آن، خدا ما را بسوی آسمان فرا می‌خواند؛ و همهٔ اینها در اثر فداکاری است که مسیح برای ما انجام داده است.

سر منزل آسمانی ما

^{۱۵} امیدوارم همگی شما که مسیحیان بالنی هستید، در این مورد با من هم عقیده باشید. اگر در مورد مسئلهٔ دیگری اختلاف نظر داشته باشید، مطمئناً خدا آن را هم برای شما روشن خواهد ساخت،^{۱۶} به شرط آنکه همیشه از حقیقتی که در وجود شماست پیروی کنید.

^{۱۷} برادران عزیز، مرا سر مشق خود قرار دهید، و به کسانی توجه نمایید که مطابق نمونهٔ ما رفتار می‌کنند.^{۱۸} زیرا قبلاً بارها به شما گفته‌ام و اکنون نیز گریه کنان می‌گویم که خیلی‌ها که به ظاهر می‌گویند مسیحی‌اند، در واقع دشمنان صلیب مسیح‌اند.^{۱۹} اینگونه افراد، عاقبتشان هلاکت ابدی است، چون خدای ایشان شکمشان است و به چیزی فخر می‌کنند که باید از آن خجالت بکشند؛ تمام افکارشان متوجهٔ امور دنیای فانی است.^{۲۰} اما سر منزل اصلی ما آسمان است، که نجات‌دهندهٔ ما، عیسی مسیح خداوند نیز در آنجا است؛ و ما چشم به راه او هستیم تا از آنجا بازگردد.^{۲۱} او به هنگام بازگشت خود، این بدنهای فانی ما را دگرگون خواهد ساخت و به شکل بدن پر جلال خود درخواهد آورد. او با همان قدرتی که همهٔ چیزها را تحت سلطهٔ خود درخواهد آورد، ما را نیز دگرگون خواهد ساخت.

شادی در خداوند

۴ ای برادران عزیز، من شما را خیلی دوست دارم و مشتاقانه در انتظار دیدار شما هستم، چون شما شادی من و پادشاه زحمت‌مست هستید. عزیزان من، به خداوند وفادار بمانید.

^۲ در ضمن از آن دو بانوی گرامی، «افودیبه» و

^۴ خود من بیش از هرکس دیگری، دلیل داشتم که می‌توانم خود را نجات دهم. اگر دیگران فکر می‌کنند که با تکیه به اصل و نصب و امتیازات شخصی خود می‌توانند نجات یابند، من بیشتر حق دارم چنین فکری بکنم!^۵ زیرا من در یک خانوادهٔ اصیل یهودی، از طایفهٔ «بنیامین»، بدنیا آمده‌ام؛ و هشت روزه بودم که ختنه شدم. بنابراین، یک یهودی کامل هستم. از این گذشته، عضو فرقهٔ «فریسیان» نیز بودم، که در زمینهٔ اجرای احکام دین یهود، از همه سختگیرترند. تعصب من در دین یهود بقدری بود که مسیحیان را آزار و شکنجه می‌دادم، و می‌کوشیدم که فرایض دینی را موبه مو اجرا نمایم.

^۷ اما اکنون همهٔ این امتیازات را که روزگاری برایم بسیار باارزش بود، دور ریخته‌ام، تا بتوانم ایمان و امیدم را به مسیح ببندم.^۸ بلی، همه چیز در مقابل نعمت شناخت خداوند عیسی مسیح، بی‌ارزش است. بنابراین، همه را کنار گذاشته‌ام، چون برای من پشیزی ارزش ندارند، با این هدف که مسیح را داشته باشم،^۹ و با او یکی شوم، و دیگر برای نجات یافتن، بر کارهای خوب خودم و یا اطاعت از قوانین مذهبی تکیه نکنم، بلکه اعتمادم بر مسیح باشد؛ زیرا فقط از راه ایمان به مسیح است که خدا ما را بی‌گناه بحساب می‌آورد.^{۱۱} اکنون من همه چیز را رها کرده‌ام، چون دریافت‌ام که فقط از این راه می‌توانم مسیح را واقعاً بشناسم و به آن قدرتی که او را پس از مرگ زنده کرد، دست یابم؛ من می‌خواهم درک کنم که رنج کشیدن و مردن با او یعنی چه.^{۱۱} تا به هر قیمتی که شده، بتوانم مانند کسانی که در روز قیامت زنده می‌شوند، زندگی کاملاً جدیدی بیابم و در تازگی و خرمی آن بسر برم.

^{۱۲} منظورم این نیست که دیگر کامل شده‌ام. هنوز بسیار چیزها هست که باید بیاموزم؛ پس می‌کوشم تا روزی بتوانم همان شخصیتی گردم که مسیح در نظر دارد و برای رسیدن به همان مقام نیز مرا نجات داده است.

^{۱۳} بلی برادران عزیز، من هنوز آن که باید باشم نیستم، اما تمام نیروی خود را صرف یک کار

همیشه در این فکر بوده‌اید، اما فرصت انجامش را نمی‌یافتید. ^{۱۱} البته منظورم این نیست که در احتیاج بودم، زیرا آموخته‌ام که به آنچه دارم، راضی و قانع باشم. ^{۱۲} می‌دانم که در تنگدستی و دولتمندی، چگونه زندگی کنم. رمز قناعت را در هر شرایطی آموخته‌ام، چه سیر باشم چه گرسنه، چه زیاد داشته باشم و چه اندک. ^{۱۳} هر چه خدا از من بخواهد، با کمک مسیح می‌توانم انجام دهم، زیرا مسیح قدرت انجام آن را به من می‌بخشد. ^{۱۴} با تمام اینها، چه خوب کردید که در مشکلاتم به کمک شتافتید.

^{۱۵} شما مسیحیان «فیلیپی»، بخوبی آگاهید که وقتی برای نخستین بار پیغام انجیل را به شما اعلام نمودم، و سپس از «مقدونیه» روانه شدم، فقط شما در امر دادن و گرفتن با من همکاری کردید؛ هیچ کلیسای دیگری در این امر پیشقدم نشد. ^{۱۶} حتی زمانی که در «تسالونیکه» بودم، دو بار مبلغی برای رفع احتیاجاتم فرستادید. ^{۱۷} البته از هدایای شما سپاسگزارم، ولی آنچه بیشتر مرا شاد می‌سازد، اینست که بخاطر این نیکوکاری‌تان، پاداش خوبی خواهید یافت.

^{۱۸} در حال حاضر، همه چیز دارم که حتی بیش از نیازم است؛ و غرق هدایایی هستم که بدست «اپافرودیتوس» فرستادید، هدایایی که همچون قربانی خوشبو، خدا را خشنود می‌سازد. ^{۱۹} خدا نیز به سبب جانبازی عیسی مسیح، تمام احتیاجات شما را با ثروت شکوهمند خود، رفع خواهد نمود. ^{۲۰} از حال تا ابد، پدر ما خدا را جلال باد، آمین.

^{۲۱} به تمام مسیحیان آنجا سلام برسانید. برادرانی که با من هستند، سلام می‌رسانند. ^{۲۲} همه مسیحیان اینجا، بخصوص مسیحیانی که از دربار امپراطور هستند، سلام می‌رسانند. ^{۲۳} فیض خداوند ما عیسی مسیح با روح شما باد.

«سینتیخی» التماس می‌کنم که به کمک خداوند، مجادله و اختلاف نظر را کنار بگذارند و با یکدیگر صلح کنند. ^{۲۴} از تو، دوست و همکار صمیمی خود نیز استدعا می‌کنم که به این دو بانو در حل اختلافشان کمک کنی، زیرا ایشان زمانی دوش به دوش من خدمت کرده‌اند تا پیغام انجیل را اعلام نمایم. ایشان با «کلمنت» و سایر همقطاران من نیز که نامهایشان در دفتر حیات نوشته شده است، همکاری کرده‌اند.

^{۲۵} در خداوند دائماً شاد باشید، و باز می‌گویم شاد باشید! ^{۲۶} در هر کاری از خودگذشتگی نشان بدهید و ملاحظه دیگران را نکنید. بخاطر داشته باشید که خداوند بزودی باز می‌گردد. ^{۲۷} برای هیچ چیز غصه نخورید؛ در عوض برای همه چیز دعا کنید و هر چه لازم دارید به خداوند بگویید و فراموش نکنید که برای جواب دعاها، از او تشکر نمایید. ^{۲۸} اگر چنین کنید، از آرامش خدا بهره‌مند خواهید شد، آرامشی که فکر انسان قادر به درک آن نیست. این آرامش الهی به فکر و دل شما که به عیسی مسیح ایمان آورده‌اید، راحتی و آسایش خواهد بخشید.

^{۲۹} برادران عزیز، در خاتمه بگذارید این را نیز بگویم: فکرتان را بر روی هر چه راست و خوب و درست است، ثابت نگاه دارید. درباره چیزهایی فکر کنید که پاک و زیباست. در صفات خوب و پسندیده دیگران تأمل کنید. درباره چیزهایی فکر کنید که می‌توانید خدا را برای آنها شکر کنید و به وجود آنها خوش باشید. ^{۳۰} هر چه از من دیدید و آموختید، در زندگی‌تان بکار گیرید تا خدای آرامش با شما باشد.

سپاسگزاری بابت هدایا

^۱ چقدر از خدا سپاسگزارم و او را ستایش می‌کنم که بار دیگر به کمک من شتافتید. می‌دانم که